

روایت سید خلیل منبتی از دوران معاونتش در زمان تولیت سید ابراهیم رئیسی به معنای واقعی حامی محرومان بود

خاطره‌دیدی هم‌دارم که مربوط به زمستان ۱۳۹۵ است که برف و سیلاب در جاده تایباد و خواف، شماری از هم وطنانمان را گرفتار کرده بود. ایشان دستور داد پنج شش هزار پرس غذای گرم برای آسیب دیدگان ارسال شود. صحن غدیر را آماده فرود بالگرد هلال احمر کردیم تا غذاها از مهمان سرای حضرت بازرگاری شود. در مسیر، موتور بالگرد خراب و خلبان ناگزیر به فرود شد. با ایشان تماس گرفتیم و ماجرا را اطلاع رسانی کردیم. بلافاصله کامیونتی را هماهنگ و به مسیر اعزام کرد تا بار غذاها به موقع به نقاط حادثه دیده برسد. در همه حوادث، ایشان پیگیر این بود که اقلام مورد نیاز برای آسیب دیدگان ارسال شود. ایشان از زمانی که به عنوان تولیت آستان قدس منصوب شد، درصد انجام کارهای زیربنایی بود. یکی از زیرساخت‌هایی که در زمان محدود مسئولیتش اجرا کرد، ساخت زائرسراهای امام رضا^ع بود و از همان ابتدا هم با هماهنگی‌هایی که با کمیته امداد انجام داد، امکان زیارت، پذیرایی و اسکان زیارت اولی‌ها را فراهم کرد. همه این‌ها باز هم به نوع نگاهش برای کمک به محرومان برمی‌گشت و البته در نهایت اجرش را هم گرفت. ایشان حرف‌های ناروای زیادی شنید که دست کم در آستان قدس از نزدیک شاهد بودیم که پایه و اساس ندارد. اما هر بار سکوت کرد و معتقد بود اگر به واسطه این حرف‌ها ممکن است کار مردم راه بیفتد، بگذارید بزنند!

او را به محلی که زیر نظر سازمان پایانه‌ها در انتهای خیابان امام رضا^ع اداره می‌شد، انتقال می‌دادند. یک شب را رایگان آنجا سپری می‌کردند و بعد از صرف صبحانه‌ای که به آن‌ها داده می‌شد، مرخص می‌شدند. این هماهنگی در پی همان احساس نگرانی تولیت وقت آستان قدس با سازمان پایانه‌ها انجام شد و بر اساس قرارداد ای که منعقد شد، هر شب خانواده‌هایی که برای زیارت راهی مشهد شده بودند و به اسکان نیاز داشتند، به این مکان معرفی می‌شدند و پذیرایی لازم از آن‌ها صورت می‌گرفت. حتی به خانواده‌هایی که نزدیک حرم، سفره‌صبحانه یا ناهارشان را پهن می‌کردند، فیش صبحانه و ناهار اهدا می‌شد تا در نهایت تکمیل زیارت کنند و با احساس خوب از مشهد به شهرهایشان بازگردند. این پذیرایی به ویژه در اعیاد و جشن‌ها رنگ و بوی بیشتری به خودش می‌گرفت. خیلی خیلی زیاد نگران محرومان بود و به این قشر حساسیت زیادی داشت. نکته مهم در این باره این بود که ایشان کار و امور مربوط را پیگیری می‌کرد. گاهی به دستور ایشان اوراق عمومی به خیریه‌ها و مراکزی که از افرادی سرپرست نگهداری می‌کردند، می‌فرستادیم. مرتب و در همه ساعات شبانه روز پاسخگوی نگرانی‌ها و پیگیری‌های ایشان بودم. حتی مواقعی که در مجلس خبرگان جلسه داشت، تماس می‌گرفت و پیگیری می‌کرد.

هر بار به ایشان می‌گفتم شما مقرب هستید، برایمان دعا می‌کنید که ان شاء الله به اجابت برسد، می‌گفت دعا می‌کنم هرگاه وقت مرگتان فرارسید، ان شاء الله شهید شوید. این دعا در حق ما هنوز به اجابت نرسیده است، اما خودش بالاخره در راه خدمت به مردم به این افتخار نائل شد. سالیان سال با آیت الله رئیسی کار کردم و یکی از بهترین دوران کاری‌ام، خدمت در معاونت اماکن متبرکه و امور زائران آستان قدس در زمان تولیت ایشان بود. آنچه به وضوح در شخصیت ایشان قابل درک بود، این بود که برای خدمت کردن آرام و قرار نداشت. کار کردن با ایشان شبانه روز نمی‌شناخت؛ انگار با خستگی بیگانه بود. احترام زیادی برای مردم به ویژه محرومان قائل بود. رفتارش با پرسنل رده بالا و پایین دست یکسان و بسیار وزین بود و همه را تکمیل می‌کرد. این از ویژگی‌های مهم شخصیتی ایشان بود. برایش مهم بود که هرکس برای زیارت به مشهد الرضا^ع مشرف می‌شود، راضی بیاید و راضی برگردد. یاد می‌آید یک بار ساعت حدود ۲ با امداد با من تماس گرفت و بیان کرد که گشتی در اطراف حرم مطهر زده و متوجه شده است برخی زائران به دلیل اینکه جا و مکان برای اسکان ندارند، در خودروها خوابیده‌اند! از آن شب، ترتیبی داده شد و عوامل مادر تادور حرم رضوی گشت زنی می‌کردند و اگر با موردی روبه‌رو می‌شدند، که به هر دلیلی امکان اسکان پیدا نکرده بود،



حسین کمیلی، فعال فرهنگی و اجتماعی مخالف کارهای نمایشی بود



و این سرمایه فرهنگی زمینه‌ساز صدور پیدا کند، زیرا غنای این سرمایه معنوی به حدی بود که مثلاً گاهی پیش می‌آمد برخی دستگاه‌ها با وجود بودجه‌های کلان و مثلاً بیش از صد نمایندگی فعال در کشورهای جهان باز هم این نیاز را احساس می‌کردند که ماکنارشان باشیم. حاج آقا همیشه به این مصادیق استناد می‌کردند و می‌گفتند در این شرایط، چرا باید به کار نمایشی بسنده در حالی که می‌توان کار مفید، واقعی و مؤثر انجام داد. البته این را هم بگویم که از نظر روحی و فردی، شخصیتی بسیار صمیمی، مهربان، گرم و خوش برخورد داشت و همیشه استقبال می‌کرد که در جمع مردم حضور پیدا کند. گاهی خود ماتعجب می‌کردیم چطور توان دارد با وجود فشار کارها باز هم به میان مردم برود آن هم در شرایطی که عمدتاً با مطالبه، دغدغه و حتی گلایه و انتقاد مردم روبه‌رو می‌شد و هیچ موقعیتی نبود که ایشان بین مردم برود و سیل نامه‌های مردمی به سمتش سرازیر نشود. به همه این‌ها هم جدا جدا رسیدگی می‌کرد و فهرستی از این نامه‌ها برای خود داشت که فرجام هر کدام را یکی یکی از مرجع هر کدام پیگیری می‌کرد. به نظر من، خداوند به مزد همین اخلاص حاج آقا این درجه را به ایشان اعطا کرد.

بازترین تصویری که از شهید رئیسی در ذهن دارم، ذیل اخلاص فوق‌العاده او تعریف می‌شود و اینکه هیچ وقت به دنبال کار نمایشی نبود، بلکه تلاش داشت کاری کند که اثر واقعی و سود ملموس برای مردم داشته باشد. به یاد دارم یک بار در یک جلسه، زمانی که قرار شد گزارش‌های حوزه بین الملل را ارائه بدهیم، شروع کردیم به بیان سرفصل اقدامات و کارهایی که انجام شده بود اما جنس کارها طوری بود که باز خورد رسانه‌ای آن بیشتر بود. در همین حین، به یک باره حاج آقا به من گفتند از این کارها نگوئید، بگوئید چه کار کردید که به درد مردم خورده باشد. در یک جمله بخواهم این را بگویم، این طور باید توصیف کنم که شهید رئیسی به دنبال خوشایند مردم نبود. دنبال رضایت مردم بود، یعنی اینکه کاری کند که نفع آن به مردم برسد. نه فقط بنده بلکه همه کسانی که شخصیت حاج آقا را شناخته بودند، تصدیق می‌کنند که هیچ وقت توجهی نداشت چه کاری شاخص تر است و اسم و رسم بزرگ تری برای خودش ایجاد می‌کند. در زمانی که مسئولیت تولیت آستان قدس را بر عهده داشتند، همیشه به ماتذکر می‌دادند که مانعی خواهیم جای دولت یا یک نهاد مسئول در حوزه بین الملل را بگیریم و بدون هماهنگی آن‌ها، کار متفاوتی انجام بدهیم بلکه قرار است کاری کنیم معرفت علی بن موسی الرضا^ع جهانی شود